

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه‌ی روز عرفه

۲۶ خرداد ۱۴۰۳

سلام بر بزرگی و جلالت پروردگار، آفریننده‌ی هر آنچه در عالم روزی‌خور سفره‌ی احسان جبروتی‌اش است. احسانی که پایانی ندارد. آغوشی که همگان را به خود می‌خواند تا بار دیگر طعم ملکوت را به خاطر بیاورد. افسوس آنچه در ذائقه‌ی انسان به یادگار ماند طعم تلخ جدایی بود. طعمی که شیطان نفس آن را آراست تا همگان به خدمتش درآیند. خداوند مهربان و بنده‌نواز اراده فرمود در زمان‌ها و مکان‌هایی انسان طعم آغوشش را درک کرده، مشتاق آن شود و در صحرای قیامت آن را جستجو کند. روزی که بندگان از غصه‌ها و غم‌ها رهایی یافته، در جوار ملکوتی‌اش به آرامش و آسایش ابدی رسیده، رحمت و عشق را با تمام ذرات وجودی خود احساس کنند.

پروردگار رئوف و مهربان، روز عرفه و صحرای عرفات گوشه‌ای و نمونه‌ای از صحرای قیامت است که حاجیان با رفتن و ماندن در آن صحرا آن را باید درک کنند که توصیف زیبایی از حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) از صحرای قیامت فرمودند که:

سلام بر آینه‌ی وحی آنگاه که همگان را به صحرایی می‌خواند که درونش هزاران حکایت تلخ و شیرین دارد. حکایت‌هایی که همگان را به تفکر دعوت می‌نماید تا اندیشه‌ها از ریشه‌ی جان‌ها جدا شود و به‌طرف حقیقتی به حرکت درآید که همگان را به ضیافت قیامت می‌خواند. همان ضیافتی که عقل‌ها را در میزان ترازو به سخن درمی‌آورد. زبان شیوایی که تکلمی را نمی‌شناسد. صدایی از گلوی خارج نمی‌شود. صدایی به آرامی می‌خواندش: اکنون مهمان عملی شده‌ای که خود نگاشته‌ای، کتابی که هیچ قلمی قادر نیست تا بزرگی‌اش را توصیف نماید. فرشتگان الهی میزبان جان‌هایی هستند که از است همراهی‌شان کرده‌اند تا بار دیگر به جایگاهشان بازگردند. بهشت‌هایی که از چشمه‌های بندگی از ضمیر جان‌ها به جوشش درآید تا بهشتی را به توصیف بکشد که پروردگار خبر آن را در کتاب آسمانی فرموده است: از قبر جانش برمی‌خیزد. استقبال‌کنندگان به استقبالش می‌شتابند. انتظارتان به پایان

رسید، اکنون می‌توانید در باغ جانی به گردش درآیید که هزاران نعمت مخفی را در خود پنهان نموده تا با نسیم رحمت پروردگارش ذخایر جانش به بار بنشیند و وعده‌های الهی محقق شود.

بله از توصیف سرور عالمیان که عشق به وصال پروردگار در وجودش همیشه در جوش و خروش است برای آن روز لحظه‌شماری می‌کند. باید که عبرت گرفت و عمل کرد. هرچقدر می‌توانیم دل را از آلودگی پاک کنیم و از گناهای که دانسته و ندانسته انجام داده‌ایم توبه کنیم. اینک روز عرفه است. فرصت خوبی است که با تمام وجود در دل با خدا نجوا کنیم. از گناهان ابراز پشیمانی کنیم و دل و جان را با عشق خداوند جلا بدهیم و با تمام وجود اعلام کنیم:

پروردگارا آمده‌ام با چشمانی اشک‌بار و دلی شکسته با تو راز و نیاز کنم. می‌دانم با این همه گناه و روسیاهی دعایم را می‌پذیری یا نه، پس من ای فریادرس بی‌پناهان به خودت پناه می‌برم که قبل از آن ببخشایی گناهای که پرده‌ی حیا را دریده و نافرمانی تو کردم و به غیر تو امید بستم و مطیع و فرمان‌بردار نفس خویش شدم. بین حال زارم را و ترحم کن بر بی‌نوایی و پشیمانیم.

امروز روز عرفه است و از صحرای عرفات دورم ولی در خانه‌ای نشسته‌ام که تو به آبروی صاحبش به آن نظر داری و من امید دارم همچون حاجیان صحرای عرفات مرا نیز مورد لطف و بخشایش قرار دهی. دلم گواهی می‌دهد که اگر غیر از این بود امروز در این خانه‌ی مقدس حاضر نبودم. تو از سر لطف و احسان روزیم فرمودی.

بارالها من از امت پیامبری هستم که اهل‌بیتش راه و رسم دلدادگی را در قربانگاه جانانشان با خون خود به من آموختند که آن را چه زیبا حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) برای پدر گرامی‌شان توصیف فرمودند:

پدرم رسول خدا (ص) مرا در کودکی روی زانوان با عزتشان می‌نشاند و می‌فرمود: فاطمه جان، عید قربان را برایم بازگو می‌خواهم آن را از زبان تو بشنوم و من می‌گفتم: ای پیامبر الهی، مرا فرزندی خواهد بود چونان اسماعیل که گردن اطاعت بر

اوامر پروردگار خواهند نهاد و خونی را به جای خون جانشان نخواهند پذیرفت. تمام آفریده‌های الهی به پیشکشی خواهند آمد و فرزندانم با پیشکشی بالاتری بر آنان قالب خواهند شد تا همه ابراز دارند آنچه فرزندان فاطمه دارند در عالم یگانه است پروردگارم پیشکشی‌شان را بپذیرد و آنان را جانشینان پیامبر خاتم (ص) اعلام می‌فرمایند. پدرم اشک از چشمان مبارکش جاری می‌شد و می‌فرمود: چه زیبا عید را برایم بازگفتی ای حبیب جانم.

بله در روز عاشورا فرزندان حضرت فاطمه (س) این فرموده مادر گرامی‌شان را با خون پاکشان تفسیر کردند و از طواف کعبه به قربانگاه کربلا رفتند و گردن اطاعتشان را بر زمین نهادند و همه آفریده‌های الهی به مدد آمدند ولی آنان نپذیرفتند تا خون سرشان گواه بر پیشکشی جانشان به پروردگارشان باشد.

امام حسین (ع) در روز عاشورا به اسب باوفایشان چنین فرمودند: ای همراه من، آنگاه که از زینت به زیر افتادم ملائک مرا به بال‌های خود دعوت می‌کنند تا بر خاک نیفتم و من بر آن بال‌ها بوسه می‌زنم و سر خود را بر سجده‌گاه جانان می‌گذارم، در خاک می‌غلتم تا خونم با آن مخلوط شود پروردگار عالم فرموده است خاک شما را با آب گل کردم اکنون می‌خواهم آن خاک را با خون گل کنم تا پروردگارم در من بنگرد و سپاسم را بپذیرد.

بارالها روز عرفه در این کوی عشق راز بندگی را شناختم یاریم کن تا تمام عمر گردن اطاعت بر زمین بگذارم همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان می‌فرمایند که: همواره بر قربانی عید پیشی بگیرد تا زمان شاهد گردن اطاعتتان باشد و پیشانی اطاعتتان بر خاک، نجوای جاودانه‌ای را ابراز دارد که تا قیامت در زمان‌ها تکرار شود.

باید یقین داشته باشیم که آخرین فرزند حضرت فاطمه (س) مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) حاجی واقعی صحرای عرفات، هزار و اندی سال است که هر سال و هر روز و ساعت جان نازنینش را به پیشکشی درگاه پروردگار کریم برده و با صبری بالاتر بر عملکرد امت خود صبر می‌کنند.

اینک در روز عرفه دست به دامن مولایمان می‌گشاییم و او را با ناله می‌خوانیم: ای یادگار پیامبرمان، شرمنده‌ی وجود مبارکت هستیم که امتی خطاکاریم؛ نه تنها گردن به تیغ اطاعت پروردگاران ننهادیم بلکه در بندگی نیز ثابت قدم نیستیم پس یاری‌مان کن تا بنده‌ی خدا گردیم نه بنده‌ی نفس اماره و برای برآورده شدن حاجاتمان فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com